داستانک

دیدار

اوایل شیفت بود بخش اورژانس خیلی خلوت بود ،یعنی از اون زمان هایی بود که هر کس آرزو می کرد باشه . هیچکدام از بچه ها دوست نداشتن اورژانس شلوغ باشه و مریض بدحال داشته باشند .

طبق معمول این وقت ها من می رفتم و توی پذیرش می نشستم . امروز هم توی پذیرش روبروی در اصلی اورژانس به همراه مسئول پذیرش نشسته بودم و تلویزیون با هم تماشا می کردیم که در باز شد و دو خانم همراه سه بچه که یکی بغل یکی از خانم ها بود و دو تای دیگر ، یکی پسر و یکی دختر که هر دو هم سن و سال هم بودند و بهشان می آمد دو ونیم ساله باشند، دست در دست هم وارد اورژانس شدند .

پسر و دختر هر دو دوان دوان به سمت ما اومدن و بدون اینکه غریبی کنند وارد پذیرش قسمتی که ما نشسته بودیم شدند و دختر کوچولو رو به من گفت : سلام خاله خوبی ؟ و بعد رو به مسئول پذیرش گفت : سلام عمو خوبی؟ من که جذب شیرین زبانی دختر شده بودم گفتم : سلام عزیزم ، تو خوبی ، اسمت چیه ؟

دختر که چشمان بسیار زیبا و موهای بلوند موج دار و پوست شفافی داشت و بلوز و دامن لی به تن داشت گفت : تینا. گفتم :اسم دوستت چیه ؟ تینا گفت : مهدی و دوباره دست هم و گرفتند و در راهرو شروع به دویدن کردند .

مادر تینا که پسر کوچک دیگری در بغل داشت نوبت گرفت که پیش دکتر اورژانس برود . اما زمانی که مادر تینا خواست وارد اتاق دکتر شود ، تینا زودتر از او وارد اتاق خانم دکتر شد و گفت :سلام خاله خوبی و به سرعت دوان دوان در حالی که با دوست خود می خندید از اتاق بیرون آمد و مادرش به همراه برادر کوچولویش وارد اتاق دکتر شدند .

تینا به همراه مهدی روی صندلی انتظار روبروی ما نشسته و شروع کردند با خودشان دو تا حرف زدن و خندیدن و گهگاهی به درون اتاق های اورژانس سرک می کشیدند و بعد دوان دوان دوباره سر جایشان برمی گشتن ومی خندیدند واما در این بین من همینطور به آن دو زل زده بودم و آنها را نگاه می کردم .

دختر آنقدر شیرین و با ادب بود که نمی شد چشم از او برداشت تا زمانی که مادرش آمد و خواست از اورژانس بیرون برود . دختر دستش را به نشانه خداحافظی تکان داد و گفت: خداحافظ خاله ،خداحافظ عمو و از بخش بیرون رفت و اما من همچنان رفتن او را تماشا می کردم که آیا می توانم دوباره اورا ببینم یا نه ؟

حوالی ساعت پنج عصر بود . شلوغ شده بود و یکی یکی و پشت سر هم مریض می آمد و بستری می شد . سرمان حسابی شلوغ بود که خدمه وارد بخش شد و گفت : خانم پرستار الان دختر بچه ای را آورده اند که دو انگشت دستش با لبه ظرف شویی بدجوری بریده است و دستش فواره خون است .

من با شنیدن این حرف سریع به اتاق فوریت ها رفتم ،اما ناگهان با صحنه ای که انتظارش را نداشتم مواجه شدم . دختری که روی تخت نشسته بود و بین دو تا دستای کوچک سفیدش گاز استریلی را فشار می داد و گاز پر از خون شده بود ، کسی نبود جز تینا .

ناخوداگاه گفتم: تینا تویی.در حالی که چشمان خوشگلش اشکی بود و سرخ شده بود با حالت بغضی گفت : خاله دستم برید و گاز رواز روی انگشتش برداشت و همه جارو خون گرفت و من باخودم گفتم :کاش هر گز او را نمی دیدم .

مهسا زرگر

چرا از عشق و انسانیت کم آورده ایم ؟!

فراز

شب گذشته که روزنامه های کشوری را ورق میزدم ، خواندم در ساعت ۱۰/۴۵ دقیقه چند شب پیش فریاد درد آلود مردی در خیابان فرجام برخاست و وقتی عده ای از سرکنجکاوی یا یاری رسانی خود را به مرد فریادکش رساندندو از مشاهده وضعیت پریشان مرد و خونی که از دست او جاری بود ، دردی بر دل دردمندشان نشست و قصه پر غصه فاش شد که سارق بی رحم برای ربودن کیف آن مرد با چاقو به وی حمله برده و ضربه ای کشنده فرود آورده و کیف را ربوده . پدری در قرچک ورامین پسر ٦ ساله خود را با چماق می کشد و جسد اورا در کنار جویباری در گل و لای می اندازد و آسوده خاطر به خانه باز می گردد و وقتی راز مرگ کودک فاش می شود پدر سنگ دل می گوید دائم می خواست از سرو کول من بالا برود و با او بازی کنم و من حوصله بازی نداشتم .

در ستونی دیگر میخوانم که برای ربودن کیف مردی در خیابان خلوتی دست مردرا از مچ با قمه قطع می کنند . هر روز و هر ساعت در گوشه ای از این سرزمین حقایقی هولناک رخ می دهد و معصومی قربانی می شود و دیوار معصومیتی فرو می ریزد و حصار سبعیت و خشونت بلند و بلند تر می شود .

چرا چنین شده ایم . چرا از عشق و انسانیت کم آورده ایم ، چرا این چنین در روابط عاشقانه انسانی کم آورده ایم ؟این همه خشونت این همه درشت خوئی ، این همه سبعیت و این همه درشتی را تنها در سیاهان رنج دیده آمریکایی پنجاه سال پیش سراغ داشتیم و در جانیان بالفطره که در فیلم های هالیودی بسیار از ایشان دیده بودیم . در ایران خودمان در ایرانی با چندین هزارسال سابقه تمدن و بشر دوستی اگر کسی زمین میخورد ، دهها دست دراز میشد به یاری چرا آن دستها از پشت سر بی حرکت قفل شده اند ؟ چرا دست یاریمان دیگر به روی یاری طلبی دراز نمی شود ؟ پاسخ همه این پرسشها سرنوشت ساز و تعیین کننده در مناسبات انسانی را در نبود عشق به انسانیت کم آورده ایم باید جست و جو کرد چرا کم آورده ایم . برای اینکه دیگر عشق و عاشقی در بین نیست . دیگر عاشق نیستیم . برای اینکه عشق گناه است . آزرده ایم برای اینکه با عشق بیگانه ایم . افسرده ایم . برای اینکه حلاوت عشق راچشیده ایم و فراتر از همه در نده خوشده ایم چرا که خوی عاشقی را فراموش کرده ایم .در شهری که عشق از همه نوعش فراموش شود گناه شمرده می شود ، خشونت جایگزین می شود و مهر جای قهر می نشیند و در روزگار ما عشق واژه ممنوعی است که باید دهان را از آن شست و این ممنوعیت بلای انسانیت شده است و راست و صریح باید گفت که خشونت درذات انسان ایران نیست،عرضی است تحمیل شده بر او .

این نوشتار قصه عشق است که کم آورده ایم. عشق به انسانیت عشق به هم نوع ، عشق به کار و پیشه ، عشق به مسئولیت ، عشق به زن و بچه،عشق به کوی و برزن ، عشق به یاری رساندن به در و همسایه ، عشق به پدر و مادر و خواهر و برادر ، آخر چرا ؟

چرا این چنین از عشق و عاشق بودن به انسانیت کم آورده ایم ؟

این سئوالی است که از همه باید کرد ، ولی آیا کسی حاضربه پاسخ دادنش خواهد بود ؟ !

زبانم رابه ذکرت گویا کن

فریده منشدی پور

وقتی ازخواب بیدارشدم فکرکردم "حالاباید چه کارکنم؟" چقدربدبود .چقدرسخت بودکه یک روزصبح تاشب دنبال چیزی بگردی وندانی که چیست . چقدربدبودکه همه ساعتهای یک روزت به بیهودگی بگذرد.

" الهم اسئلک ان تجعل اوقاتی من اللیلی والنهاربذکرک معنوره وبخدمتک موصوله"

" خدایاازتومی خواهم که همه اوقات شب وروزم رابه یادخودت آبادگرانی وبه خدمتت مستدام کنی "

فکرکردم ، اگریک روزازمن بپرسی با این همه ساعت هاوروزها وهفته هایی که به من فرصت آموختن وزندگی کردن وتجربه کردن دادی ؛چه کردم ؛چطوربه توپاسخ بگویم وتوچگونه مرا بربیهوده گذراندن این اوقات می بخشی ؟

یاسریع الرضااغفرلن لایملک الاالدعا

" ای خدایی که زودازگناهان می گذری ؛ببخش بنده ای راکه جزدعاچیزی ندارد"

می دانی که اگردستهایم رانگیری وراه رانشانم ندهی ؛نمی دانم کجابروم .

یارب قوعلی خدمتک جوارحی

" ای پروردگار،اعضای مرابرای خدمت نیروبخش .می خواهم همیشه توباشی .همیشه باتوباشم .آن وقت هیچ لحظه ای اززندگیم ؛به بیهودگی نمی گذرد.

الهم اجعل لسانی بذکرک لهجا

خدایازبانم رابه ذکرت گویاکن

مشتی تخم گل از بهشت

فریده منشدی پور

بیا وبه نصیحتم برخیز، گله کن وبگوکه فرزندان چه زود واسطه های خلقت خود، پدران ومادران خویش را فراموش می کنند.

دوستان چه زود خاطره های خوش را ازیادمی برند وبه خارزار پر وحشت خرده گیری ازیکدیگردرمی افتند.

از رسم کهنه وناسزا ونازیبای دنیا بگو.بیا وبرایم ازنزدیکی واجتناب ناپذیری مرگ بگوتا دل ازدرشت وریزدنیا ، شادی واندوه دنیابرکنم .

بیاواندوهم رابزدای .

دنیایم را بگیر ومشتی تخم گل از بهشتی که دردست داری عرضه ام دارتا در این درون بی نهایت تیره ام ، بیافشانم و محصولی خوش ودلپسندازجنس امید و عشق بیافرینم .

خدایا کوله بارم را از دلمشغولی های روزانه ووقت گیرلبریزکردی، خودت به صلاحم داروازبارنهاده بکاه .

مولوی گفته است که حالت غم در دزد ، بخاطر غمی است که بردل صاحب مال افکنده است .

این آشفتگی دراز درمن ،ازآزارکسان فراهم آمده است ؟ وآیاخواهدشد که نا مربوط های گفته و کرده رادرچشم برهم زدنی نبوده وانجام ناشده ببینم ؟ اکسیر ترحم تو ای خدا مرا به چنین طعمی امیدوارمی کند .

سخنانی از بزرگان اندیشه

- ✓ **تلاش کن که زندگیت همیشه همراه با میانه روی و نگه داشتن حد تعادل در همه زمینه ها باشد .**

کنفوسیوس

- ✓ **در دنیا نمی توان کسی را پیدا کرد که وجودش برای کاری مفید نباشد .**

ناپلئون

- ✓ **قناعت و صرفه جویی فقیر را غنی و غنی را عاقل می گرداند .**

الکساندر دوما

- ✓ **دانشمندان علما و بزرگان از نردبان ترقی آرام آرام بالا می روند ولی شعرا و هنرمندان این راه را پرواز کنان طی می کنند .**

ویکتور هوگو

- ✓ **زندگی خواب است و مرگ بیداری آن .**

دکارت

خوشبختی :

- ✓ **خوشبخت ترین موجود کسی است که خوشبختی را در خانه خود جستجو کند .**
- ✓ **خوشبخت ترین فرد کسی است که بیش از همه سعی کند دیگران را خوشبخت سازد .**
- ✓ **خوشی های کوچک ،خوشبختی بزرگ می سازد.**
- ✓ **خوشبختی و بدبختی ایام پیری عصاره اعمال گذشته است .**
- ✓ **کلید سعادت و خوشبختی ما در اختیار پندار ، گفتار و کردار ماست .**
- ✓ **هنگامی که به خوشبختی فکر می کنید خوشبخت هستید .**

نمایشگاه آثار برگزیده دوسالانه طراحی پارچه و لباس کشور در بندرعباس برگزار می شود

اولین نمایشگاه آثار برگزیده دوسالانه طراحی پارچه و لباس با همکاری دفتر امور هنرهای تجسمی کشور و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان آذرماه سالجاری در بندرعباس برگزار می شود .

به گزارش روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان در پی اعلام آمادگی این اداره کل جهت برگزاری نمایشگاه ۷ آبان ماه "سعید فلاح فر " نماینده دفتر امور هنرهای تجسمی وزارت ارشاد اسلامی از فضاهای نمایشگاهی تالارشهر و نگارخانه زنده یاد گرمساری در بندرعباس بازدید کرد .

وی در این بازدید گفت : با توجه به کمبود فضای نمایشگاهی در استان هرمزگان ، یک تجدید نظر جدی از نظر کیفی و کمی در این مورد ضرورت دارد.

سعید فلاح فر بندرعباس را دارای ویژگی های خاص فرهنگی ، اقلیمی ، رفتاری و قومی دانست و افزود : این ویژگی ها دارای صداقتی است که اصول اساسی خلق آثار بومی هنرمندان هرمزگان را تشکیل می دهد .

نماینده امور هنرهای تجسمی کشور ضمن تاکید بر شکوفا کردن استعدادهای بومی تصریح کرد : ایجاد خلاقیت و شکوفا کردن استعداد های بالقوه بومی نیازمند آموزش و ارتباطات هنری است تا بتواند جایگاهش را در هنر ایران ، چه بسا جهان محک بزند . این مقام مسئول داشتن هنرستان های هنر، دانشگاه هنر و ساماندهی آموزشگاههای آزاد هنری را در این مسیر مهم دانست .

وی هدف از برگزاری نمایشگاه دو سالانه طراحی پارچه و لباس در کشور و استان ها را ارتقاء سطح هنری این رشته و ساماندهی فرهنگ پوشش عنوان کرد و افزود : بیش از ۱۶۰۰ اثر به بخش مسابقه رسید که پس از داوری مجموعا ۳۰۰ اثر جهت ارائه در نمایشگاه انتخاب شد .

به گفته فلاح فر به دلیل حضور اکثریت شرکت کنندگان شهرستانی در نمایشگاه دو سالانه طراحی پارچه و لباس کشور ، طرح برگزاری نمایشگاه در استان ها مورد موافقت قرار گرفت.

در آن کوش که خوشدل باشی

نوبهار است در آن کوش که خوشدل باشی
که بسی گل بدمد باز و تو در گل باشی
در چمن هر ورقی دفتر حالی دگر است
حیف باشد که ز حال همه غافل باشی
من نگویم که کنون با که نشین و چه بنوش
که تو خوددانی اگر زیرک و عاقل باشی
چنگ در پرده همین می دهدت پند ولی
وعظ آنگاه کند سود که قابل باشی
نقد عمرت ببرد غصه دنیا به گزاف
گر شب و روز درین قصه مشکل باشی
گرچه راهی ست پر از بیم ز ما تا بر دوست
رفتن آسان بود ار واقف منزل باشی
حافظا گر مدد از بخت بلندت باشد
صید آن شاهد مطبوع شمایل باشی

■■■

آفرین بر غم

اندر دل بی وفا غم و ماتم باد
آن را که وفا نیست ز عالم کم باد
دیدی که مرا هیچ کسی یاد نکرد
جز غم که هزار آفرین بر غم باد

مولانا

آگهی تاسیس شرکت روشن نیروی بندر (سهام خاص)

خلاصه اظهارنامه و اساسنامه شرکت روشن نیروی بندر (سهامی خاص)

که در تاریخ ۸۶/۷/۱۴ تحت شماره ۹۱۵۰ در این اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۸۶/۷/۲۸ از الحاظ امضاءذیل ثبت تکمیل گردیده برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی و کثیر الانتشار دریا آگهی می شود .

۱ - موضوع شرکت : انجام کلیه کارهای خدماتی ، تاسیساتی و فنی و مهندسی ،انجام کلیه کارهای خدماتی و آمرات اداری ، دولتی و خصوصی ، تامین نیروی انسانی و خدمات عمومی ، کلیه کارهای لوله کشی آب و فاضلاب شهری و منازل ، کلیه کارهای سیم کشی مخابرات شامل شهری و منازل ، انجام لوله کشی های آبیاری تحت فشار ، تسطیح اراضی خاکبرداری ،جاده سازی ،احداث خیابان و کلیه مواردی که در ماده ۲ این اساسنامه ذکر شده است .

۲ - مرکز اصلی شرکت :بندر عباس:کوی فرهنگیان کوچه ارمغان سه مجتمع سید .

۳ -مدت شرکت : از تاریخ ثبت به مدت نامحدود.

٤ -سرمایه شرکت : مبلغ :۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۱۰۰ سهم ۱۰/۰۰۰ ریالی با نام که مبلغ ۳۵۰/۰۰۰ ریال آن طی گواهی شماره ٤۳۲٤۰/۱۱٤۰ مورخ ۸٦/٦/۳۱ بانک ملت شعبه آزادی پرداخت و بقیه در تعهد صاحبان سهام می باشد .

٥ -اولین مدیران شرکت :سید محمد حسین دادخوائی بواناتی بعنوان رئیس هیات مدیره و مدیر عامل و سید عبدالله دادخدائی بوانانی بعنوان نائب رئیس هیات مدیره و حلیمه خاتون ناصریان به سمت عضو هیات مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند .

٦ -دارندگان حق امضا ء:کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهد آور شرکت با امضاءمدیر عامل به اتفاق یک نفر از اعضاءهیات مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد .

۷ -اختیارات مدیر عامل :مجری مصوبات هیات مدیره می باشد .

۸ -بازرس اصلی و علی البدل :زهرا دادخدایی بواناتی بسمت بازرس اصلی و مریم دادخدایی بواناتی بسمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال انتخاب شدند .

رئیس ثبت اسناد و املاک بندرعباس - سید احمد حسینی تاریخ:۸۶/۸/۵ شماره:۲۳۳۶ م ۷الف

آگهی تاسیس شرکت سلامت نیروی هرمزگان (سهامی خاص)

خلاصه اظهار نامه و اساسنامه شرکت سلامت نیروی هرمزگان (سهامی خاص)

که در تاریخ ۸٦/۷/۱٤ تحت شماره ۹۱٤۹ در این اداره به ثبت رسیده و در تاریخ ۸٦/٦/۲۸ از الحاظ امضاءذیل ثبت تکمیل گردیده برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی و کثیرالانتشار دریا آگهی می شود .

۱ -موضوع شرکت : انجام کلیه کارهای خدماتی ، تاسیساتی و فنی و مهندسی ،انجام کلیه کارهای خدماتی و آمرات اداری ، دولتی و خصوصی ، تامین نیروی انسانی و خدمات عمومی ، کلیه کارهای لوله کشی آب و فاضلاب شهری و منازل ، کلیه کارهای سیم کشی مخابرات شامل شهری و منازل ،انجام لوله کشی های آبیاری تحت فشار ،تسطیح اراضی خاکبرداری،جاده سازی ، احداث خیابان و کلیه مواردی که در ماده ۲ این اساسنامه ذکر شده است .

۲ -مرکز اصلی شرکت :بندرعباس :کوی فرهنگیان کوچه ارمغان سه مجتمع سید طبقه اول .

۳ -مدت شرکت :از تاریخ ثبت نام به مدت نامحدود

٤ -سرمایه شرکت :مبلغ :۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۱۰۰ سهم ۱۰/۰۰۰ ریالی با نام که مبلغ ۳۵۰/۰۰۰ ریال آن طی گواهی شماره ٤۳۲٤۰/۱۱۳۹ مورخ ۸٦/٦/۳۱ بانک ملت شعبه آزادی پرداخت و بقیه در تعهد صاحبان سهام می باشد.

٥ -اولین مدیران شرکت :سید عبدالله دادخوایی بواناتی بعنوان رئیس هیات مدیره و مدیر عامل و سید محمد حسین دادخدایی بوانانی بعنوان نائب رئیس هیات مدیره و حلیمه خاتون ناصریان به سمت عضو هیات مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند .

٦ -دارندگان حق امضا: کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهد آور شرکت با امضا مدیر عامل به اتفاق یک نفر از اعضا هیات مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد .

۷ -اختیارات مدیر عامل:مجری مصوبات هیات مدیره می باشد .

۸ -بازرس اصلی و علی البدل : زهرا دادخدایی بواناتی بسمت بازرس اصلی و مریم دادخدایی بواناتی بسمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال انتخاب شدند .

رئیس ثبت اسناد و املاک بندرعباس
سید احمد حسینی
تاریخ:۸۶/۸/۵ شماره:۲۳۳۷ م ۷الف

آگهی حصر وراثت

آقای احمد جهانشاهی پور شمیلی دارای شناسنامه شماره ۲ به شرح دادخواست به کلاسه ٤٦۹/۱/۸٦ -ح از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان عباس جهانشاهی پور شمیلی بشناسنامه ۲٥۳ در تاریخ ۸٤/۲/۲۸ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱ -باقر جهانشاهی پورشمیلی فرزند عباس به ش ش ۳صادره ازبالولی فرزند متوفی ۲ -غلام جهانشاهی پور شمیلی فرزند عباس به ش ش٥۹صادره از سرریگ فرزند متوفی ۳ -تراب جهانشاهی پورشمیلی فرزند عباس به ش ش ٦۰ صادره از سرریگ فرزند متوفی ٤ -علی جهانشاهی پور شمیلی فرزند عباس به ش ش ۲٦٥۸ صادره از شمیل فرزند متوفی٥ -احمد جهانشاهی پور شمیلی فرزند عباس به ش ش ۲ صادره از سرریگ ٦ - محسن جهانشاهی پور شمیلی فرزند عباس به ش ش ۱۲٤ صادره از بالولی ۷ -بلقیس جهانشاهی پور فرزند عباس به ش ش ۲۳۳٤صادره از شمیل فرزند متوفی ۸ -خاتون جهانشاهی پور شمیلی فرزند عباس به ش ش ۹٥ صادره از سرریگ فرزند متوفی ۹ -معصومه خبر فرزند حسین به ش ش ۱۱۹۱ صادره از شمیل عیال دائمی متوفی اینک با انجام تشریفات مقدماتی در خواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد .

دادرس علی البدل شعبه اول دادگاه حقوقی بندرعباس - سید محسن علوی ضیابری

آگهی مزایده اموال غیر منقول

طبق صورتجلسه مورخه ۸٥/۱۱/۱٤ اموالی به شرح ذیل:

۱- سوله فلزی به مساحت ۳٦۰ مترمربع به مبلغ ۱٤٤/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۲- ساختمان اداری به مساحت ۱۲۰ مترمربع به مبلغ ٦۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۳-دیوار کشی محوطه به مساحت ۲٦٤ مترمربع به مبلغ ۲٦/٤۰۰/۰۰۰ ریال که طبق نظریه کارشناس دادگستری به شماره وارده ٦۹۲٤ مورخ ۸٥/۱۱/۱۷ جمعا به مبلغ دویست و سی میلیون و چهارصد هزار ریال بابت قسمتی از اصل طلب و نیم عشر اجرایی پرونده کلاسه ۱۳۷۳-۷۹ متعلق به شرکت تعاونی تولید دمپائی و چکمه ساحل که به نفع بانک صادرات هرمزگان بازداشت و ارزیابی گردیده که در روز چهارشنبه مورخه ۸٦/۸/۳۰ از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر واقع در شهرک صنعتی بندرعباس محل شرکت از طریق مزایده به فروش می رسد مزایده از مبلغ دویست و سی میلیون و چهارصد هزار ریال شروع و به بالاترین قیمتی که خریدار داشته باشد فروخته خواهد شد حق حراج و سایر هزینه های دیگر به عهده خریدار خواهد بود ضمنا چون نسبت به اعیانی بازداشت شده درخواست ثبت نشده اداره ثبت تکلیفی برای تحویل مورد انتقال ندارد و نیز مسئولیتی از جهت اشکالاتی که ممکن است در حین پذیرش تقاضای ثبت و یا بعد از آن جهت اعتراض و غیره پیش آید نخواهد داشت.

رئیس ثبت اسناد و املاک بندرعباس

سیداحمد حسینی - تاریخ انتشار نوبت اول: ۸۶/۷/۲۸ - تاریخ انتشار نوبت دوم : ۸۶/۸/۹

آگهی حصر وراثت

آقای احمد امینی دارای شناسنامه شماره ٤۹۷ به شرح دادخواست به کلاسه ۱۱٥۳/۱/۸٦ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان محمد علی امینی بشناسنامه ۱۰٤٥ در تاریه ۸٦/۳/۲٥ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و رثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به : ۱ -شخص متقاضی با مشخصات فوق فرزند متوفی ۲ - شهره امینی به ش ش ۱٥٤ /م ص از میناب فرزند متوفی ۳ -شیما امینی به ش ش ۱٤۰٦ ص از میناب فرزند محمد علی ٤ - شهرزاد امینی به ش ش ۱٤٥ صادره از میناب فرزند محمد علی ٥ - فاطمه امیری رودان به ش ش ۱٤ ص از رودان فرزند احمد همسر متوفی

٦ - فاطمه زینلی خراجی به ش ش ٤۷ ص از رودان فرزند مسعود مادر متوفی که به جز نامبردگان ورثه دیگری ندارد .

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت ماهی یکمرتبه آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد و گواهی صادر خواهد شد .

دادگاه حقوقی رودان - اسماعیلی فرد

پی په سرای هنر برگزار می کند

اولین کنسرت بزرگ موسیقی اسحق بهمنی

✓ زمان : دی ماه ۸٦

✓ مکان : بندرعباس